

انسان‌ها را تولید کند. ترک هم می‌توانست صحبت کند.

زمانی که برای برنده شدن در یک بازی آماده می‌شد، به فرانسوی اصطلاح «کیش» را زمزمه می‌کرد.

ترک بیش از ۶۰ سال مخاطبان را درگیر خود کرد. ادگار آلن پو نویسنده آمریکایی در سال ۱۸۳۵ در یک مسابقه ترک شرکت کرد. پو نه تنها یک نویسنده بزرگ بود، بلکه یک کارآگاه، رمزشکن و دانشمند خودخوانده هم بود. پو معتقد بود که یک شخص در ماشین‌آلات ترک پنهان شده است که اهرم‌ها را دستکاری می‌کند. بسیار شبیه صحنه بزرگ یک شعبده بازی.

پس از این که ترک در سال ۱۸۵۴ در آتش سوخت، مالک نهایی آن نظریه پو را تأیید کرد.

### مات!

بنابراین، آیا ترک با شکوه فقط یک موجود جعلی بود؟ نه به طور کامل. بسیاری از کسانی که بازی ترک را دیدند اصلاً فریب نخوردند، اما از آن لذت بردند. همانطور که تماشاگران یک فیلم تخیلی می‌دانند این ترفندها واقعی نیستند، اما همچنان آن را جذاب می‌دانند و از آن لذت می‌برند.

از این نظر، ترک فقط دروغی برای کلاهبرداری نبود، بلکه تجسم یک رویا بود. راهی برای تصور دنیایی پر از ماشین‌های خارق‌العاده.

همه اینها به یک نتیجه شگفت‌انگیز منجر شد. این مرد مکانیکی قلابی الهام‌بخش اختراعات واقعی شد. مثلاً یک ریاضیدان جوان انگلیسی به نام چارلز بابیج مقابل ترک بازی کرد و دو بار شکست خورد. اما تصور اینکه ماشینی می‌تواند «فکر کند»، به کمک بابیج آمد تا اولین نمونه‌های رایانه مدرن را اختراع کند.

الکساندر گراهام بل مکانیسم تولید صدای ترک را در مسیر اختراع تلفن مطالعه کرد. این مبتکران می‌دانستند که ترک «واقعی» نیست. اما تصویر چنین آینده‌ای آنها را

مجذوب خود می‌کرد. از آنجایی که دستگاه‌های مدرن تازه شروع به ظهور کرده بودند، ترک همچنین به مخاطبان کمک کرد تا ترس خود را در مورد پیشرفت فناوری در نظر بگیرند. «اگر چیزهایی که ساختیم بتوانند مثل ما فکر و عمل کنند، دنیا چگونه می‌شود؟» ترک اگرچه واقعاً یک «ماشین متفکر» نبود، اما یک ماشین شگفت‌انگیز مکانیکی بود. بدنه مفصلی آن بسیار شبیه بازوهای روباتیکی بود که امروز می‌سازیم. هوشی که ترک ادعایش را داشت امروز توسط رایانه‌ها به دست آمده است و آنها می‌توانند حتی استادان شطرنج را در بازی شکست دهند.

